

مبانی قرآنی وحدت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی و سید قطب

حمید ابراهیم زاده*

مقدمه

اختلافات و تعصبات مذهبی بین مذاهب در دوره‌های مختلف تاریخی، ناشی از عدم عمل به دستورات قرآنی و بی‌تقوایی حاصل از توجه بیش از حد به منافع شخصی و احساسات نفسانی، بوده و موجب شده درگیری و دودستگی، اختلاف و تشتت در مسائل مذهبی میان عموم مسلمانان شده است. این رویه تا امروزه با اتهام‌افکنی، تکفیر، نسبت‌های ناروا و برخوردهای غیرانسانی شدت و ضعف پیدا کرده است. اگر به تاریخ مسلمانان توجه کنیم، ریشه بسیاری از این نامهربانی‌ها را می‌توان در بی‌توجهی یا عدم آگاهی از نقاط تمرکز وحدت اسلامی و عدم توجه لازم به مصادیق قرآنی یافت. آن است. توجه به دستورات برآمده از آیات وحی، می‌تواند به تعامل بهتر و مؤثر بین پیروان مذاهب اسلامی و به‌ویژه شیعه و اهل سنت منجر شود.

بررسی دیدگاه مفسران قرآنی شیعه و سنی با توجه به اینکه داعیه‌دار وحدت و اتحاد هستند و نقش گسترده‌ای میان مسلمانان دارند، با رویکرد نزدیکی قلوب اهل ایمان با دیگر مسلمانان بسیار اثرگذار خواهد بود. مقاله حاضر با بررسی منابع کتابخانه‌ای، به تبیین و تحلیل دیدگاه دو عالم و مفسر شیعه و اهل سنت - که هر دو داعیه‌دار و اهل تواضعی وحدت بین مسلمانان بودند - آیت الله مکارم شیرازی، صاحب تفسیر نمونه و سید قطب، صاحب تفسیر فی ظلال القرآن در باب پایه‌های وحدت مسلمانان پرداخته است.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

مفهوم وحدت

وحدت از «وحد» به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی^۱ و یکی بودن، یگانه بودن و ضد کثرت^۲ و هم مفهوم نسبی با اتحاد در «یکی شدن و همدستی و یگانگی»^۳ است. وحدت در مقابل تفرقه و دودستگی است و شواهد قرآنی بر آن تأکید دارد:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛^۴

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید، این‌گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.

این آیه به نزاع دو طایفه اوس و خزرج قبل از اسلام اشاره دارد،^۵ اما درباره معنای «حبل الله»، نظرات متفاوتی مطرح شده است. در برخی روایات آمده است که فرد عربی نزد پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمد و پرسید: شنیده‌ام که شما فرموده‌اید به ریسمان خدا چنگ بزنید، پس این ریسمان چیست؟ حضرت با دست به کتف امام علی عليه السلام زد و فرمود: «ولایت ایشان».^۶ امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام نیز در بیان «حبل الله» فرموده‌اند: «نحن حبل الله؛ ما حبل و ریسمان خدا هستیم». در کلام اهل بیت عليهم السلام مصادیق دیگری همچون پیمان، روش و دین خدا،^۷ چنگ زدن به ریسمان الهی^۸ با هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند اعم از اسلام، قرآن، پیامبر عليه السلام، اهل بیت عليهم السلام بیان شده است. بدیهی است که این اصول را نمی‌توان خارج از دایره

۱. عی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه وحدت.

۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۹۴۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۷۹.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶.

۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۹.

۷. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۴۲.

۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۵ و ۲۶.

۹. همان، ص ۲۹.

دین و اعتقادات به دست آورد.^۱

اتحاد، نعمت و لطفی از جانب خداوند به دوستان جماعت مسلمین اولی و هبه‌ای دائمی است.^۲ این موضوع را که کلام قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، نمی‌توان در محدوده خاصی منحصر کرد.^۳

پایه‌های وحدت شیعه و اهل سنت

عوامل گوناگونی در ایجاد وحدت میان مسلمانان نقش دارد:

۱. ایمان به خدای تعالی

اولین پایه و زیربنای قرآنی وحدت امت اسلامی، ایمان است. در نگاه دینی، ایمان به عنوان اصیل‌ترین ارزش آدمی و مایه برتری او از دیگر مخلوقات و مهم‌ترین مانع در برابر برخوردهای غیرانسانی و رفتارهای ضدانسانی است که قرآن توجه همه مسلمانان را به آن جلب کرده است. ایمان، نشانه دوست داشتن شدید خداوند «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۴ و نیروی حقیقی ثابت و نه امری ظاهری است^۵ که با تصدیق به قلب و دل،^۶ در عمل و رفتار آدمی دارای تأثیر است. برخی روایات به سه رکن اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، عمل به ارکان و جوارح اشاره دارند^۷ و ایمانی را مفید و حقیقی روایت کرده‌اند که در نفس و رفتار آدمی اثرگذار است و منشأ حرکت و عمل شود.^۸ در همین راستا اصلاح وضعیت اجتماعی کل مسلمانان و حتی مجتمع انسانی، منوط به دورویکرد وحدت در ربوبیت و وحدت بشری دانسته شده است؛^۹ زیرا همراهی اعتقاد و عمل با یکدیگر، نشاط عبادی را فراهم می‌آورند.

بنابر آیه "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ"^{۱۰} وراثت

۱. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲. همان، ص ۴۴۲.

۳. حج: ۴۹؛ انبیاء: ۱۰۷؛ فرقان: ۱؛ سبأ: ۲۸.

۴. بقره: ۱۶۵.

۵. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۷۸۳.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷.

۸. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۷۸۳.

۹. همان، ج ۱، ص ۵۵۹.

۱۰. انبیاء: ۱۰۵.

زمین در هر دوره ای برای صالحان با ایمان^۱ یا مؤمنان عامل به عمل صالح به شرط همراهی ایمان قلبی با نشاط عملی فراهم خواهد شد.^۲

اگر افراد جامعه ایمان داشته باشند، به یکدیگر اعتماد می‌کنند و خیرشان به یکدیگر می‌رسد و شرشان به هم نمی‌رسد.^۳ امام رضا علیه السلام در این باره روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت می‌فرماید: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادَوْا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ وَ وَقَّزُوا الضَّيْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ»؛ امت من همواره در خیر و سعادت هستند، مادامی که به همدیگر محبت کنند و امانت‌ها را به صاحبش برگردانند و از حرام دست بردارند و از مهمانان پذیرائی کنند، نماز گذارند و زکاة دهند».

اثرات و فواید مادی و معنوی این رفتار مؤمنانه در دعاهای مأثور از امامان بزرگوار شیعه همچون دعای ابو حمزه ثمالی که در سحرهای ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود، با تعابیر زیبایی «أَرْغَدُ عَيْشِي وَ أَظْهَرُ مَرْوَتِي وَ أَصْلِحُ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمْرُهُ وَ حَسَنَتْ اَوْ حَسَنَتْ [عَمَلُهُ وَ أَثْمَمَتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَ أَسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَ أْتَمِّ الْعَيْشَ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ لَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ»؛ زندگی مرا گوارا و جوانمردی ام را آشکار کن و همه حالاتم را سامان بده! مرا از زمره افرادی قرار ده که عمرشان را طولانی، عمل‌شان را نیکو و نعمت را بر آنان کامل کردی؛ از آنان خشنود شدی و حیات پاکیزه در پردوام‌ترین شادمانی‌ها و پر پوشش‌ترین کرامت‌ها و زندگی کامل، به آنان بخشیدی! قطعاً تو هر کاری که مشیت حکیمانه‌ات بطلبد، انجام می‌دهی و غیر از تو کسی چنین نیست».

۲. اخوت دینی

طرح برادری و به کارگیری واژه اخوت در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۶ از ابتکارات اسلام^۷ و از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی و

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۱.

۲. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۴۰۰.

۳. مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۷۴.

۶. حجرات: ۱۰.

۷. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۸۰.

شعاری بسیار گیرا، عمیق، مؤثر و پر معنی^۱ است که بر ارتباط ریشه‌دار و پیوند معنوی فراگیر میان مسلمانان صحنه می‌گذارد؛ زیرا نزاع و درگیری میان دو گروه و در معنای خاص آن اقتتال بین دو طایفه، مفسده را عمومیت می‌بخشد و همه افراد را درگیر می‌کند.^۲ پس همه باید در اصلاح نفس خود تلاش کنند و نگذارند عده‌ای از ایشان در اختلاف‌های مذهبی سوءاستفاده کنند. بر طبق آیه شریفه تنها عنصری که انسان‌ها را از درگیری و دعوا باز می‌دارد، تقوا و رعایت حدود الهی است. بنابراین و بر اساس دهمین آیه سوره حجرات، دو عنصر «اخوت و تقوآمداری»، شرط نزول رحمت الهی و معیار صحیح برخورد‌های پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر معرفی شده‌اند.

نقش اخوت دینی در جامعه

سید قطب با نقل روایتی از پیامبر اسلام ﷺ که فرمود: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ وَ تَرَاحِيهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى؛^۳ مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهرورزی نسبت به همچون یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.» در شباهت جامعه اسلامی به پیکر انسان و بیان شواهد متعدد از مصادیق فردی - اجتماعی برادری میان مسلمانان، در تشریح ابعاد جامعه مبتنی بر اخوت دینی، حفظ آزادی، کرامت، مقدسات و اموال مردم را به حکم دین لازم دانسته است که نمی‌توان به صرف گمان و ظن، افراد را مورد تعرض قرار داد و به تجسس از امور مسلمانان پرداخت یا خون کسی را ریخت و حق کسی را ضایع کرد؛^۴ بلکه مشورت، نصیحت، تعاون و یاری‌رسانی و عدالت بر اساس شریعت دینی حکم‌فرماست.^۵ بنا بر این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند؛ هر چند یکی در شرق جهان و دیگری در غرب زندگی کند.^۶

سید قطب روایتی از طبرانی در باب ثواب مصافحه کردن و دست دادن بین مؤمنان نقل کرده

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۲.

۲. فخرالدین محمد بن عمر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۸، ص ۱۰۶.

۳. مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۱۸۴۰۸؛ سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۴. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۱۰.

۵. همان.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۲.

است که پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ تَحَاتَّتْ عَنْهُمَا ذُنُوبُهُمَا كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرَةِ الْيَابِسَةِ فِي يَوْمٍ رِيحٍ عَاصِفٍ وَإِلَّا غُفِرَ لهُمَا وَلَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمَا مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ؛^۱
مسلمان وقتی برادر مؤمن خود را زیارت می کند، پس دست او را می گیرد و مصافحه می کند (دست دادن در هنگام ملاقات)، گناهان او می ریزد؛ هم چنانکه وقت وزیدن باد، برگ های خشک از درخت جدا می شود و گناهان هر دو بخشیده می شوند؛ هر چند به اندازه دریاها باشد.

مصافحه کردن، پایین ترین نشانه برادری در عرف در کنار عدم ظلم، تخریب نکردن، غیبت نکردن، عدم خیانت و حفظ حرمت^۲ و نیز عدم غش و کلک به برادر مؤمن^۳ است. راهنما و آینه بودن (کنایه از بیان نصیحت مشفقانه و پذیرش نقد منصفانه) دروغ نگفتن و...^۴ اخوت و برادری مؤمنین را با هم به اوج خواهد رساند و نوعی اکرام برادر مسلمان است؛ چنانکه در روایت آمده است: «مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛^۵ هر کس برادر مسلمانش را اکرام کند، پس همانا خدا را اکرام کرده است».

۳. مدارا و تحمل

تحمل، صبر و مدارا، یکی از بنیان های مهم ارتباطات بین مسلمانی است. انسان مداراگر به سبب حفظ حرمت و عزت فرد مقابل با تندی وی را مورد مؤاخذه قرار نمی دهد؛ بلکه تندی وی را با خوبی و محبت پاسخ می دهد؛^۶ چنانکه خداوند در قرآن آنان را چنین توصیف کرده است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛^۷ و بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به ملایمت پاسخ می دهند».

۱. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۵۴۹؛ زکی الدین عبدالعظیم المنذری، الترغیب والترهیب، المحقق: محمد السید، ص ۳۷۴، ح ۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳. همان.

۴. سید حسین بروجردی، جامع الاحادیث الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۶۴.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۶. فرقان: ۶۳.

۷. فرقان: ۶۳.

خداوند متعال در آخرین آیه سوره فتح، درباره یکی از ویژگی مهم امت پیامبر ﷺ فرموده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱. مسلمانان عواطف خود را تنها بر اساس ایمان به خدا مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از خودخواهی و علاقه به غیر خدا جدا شده‌اند^۲ که این رفتار، عبادتی همیشگی را برای مؤمنان رقم می‌زند: «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»^۳. مدارا کردن بدون تکرار و ممارست بر فضیلت اخلاقی «صبر» غیر ممکن است. صبر، عنصر ضروری ایمان^۴ و همسان با ایمان «الْإِيمَانُ هُوَ الصَّبْرُ» یا «الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ»^۵ دانسته شده است. صبر به منزله بالاترین خلقیات انسانی: «الصَّبْرُ أَحْسَنُ حَلَلِ الْإِيمَانِ وَأَشْرَفُ خَلْقِ الْإِنْسَانِ»^۶ و نوعی توانایی اکتسابی بر گرفته از قوه تعقل و تفکر است؛ زیرا همه خصایص انسانی، ضعف و توانایی و قدرت او را نشان می‌دهد^۷ و او را وادار به مدارا و تحمل بد اخلاقی‌های دیگران می‌کند.

در روابط مسالمت‌آمیز شیعه و اهل سنت و هنگام مواجهه با جهل و جدال و سخنان زشت برخی جاهلان مدعی دینداری که همه چیز جز خود را به تهمت و ناسزاگویی روا می‌دانند؛ خصوصیات عباد الرحمن در سوره مبارکه فرقان مورد توجه است که در بیان ویژگی‌های ایشان می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۸. این آیه نوع برخورد با جاهلان و انسان‌های متعصب و مؤمن‌نما را این‌گونه تبیین می‌کند: «سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است و نه ناشی از ضعف، سلامی که دلیل عدم مقابله به مثل در برابر جاهلان و سبک مغزان است، سلام وداع گفتن با سخنان بی‌رویه آن‌هاست، نه سلام تحیت که نشانه محبت و پیوند دوستی است؛ خلاصه سلامی که نشانه حلم و بردباری و بزرگواری است»^۹.

۱. فتح: ۲۹.

۲. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۳۳۲.

۳. فتح: ۲۹.

۴. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۹۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۱۹.

۵. خفرالدین محمد بن عمر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۱.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۰۳.

۷. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۴۹.

۸. فرقان: ۶۳.

۹. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۹.

بالاترین درجه مدارا، صبر همراه با مشقت و زحمت است که در روایات به «تَصَبُّر» وصف شده است: «أَفْضَلُ الصَّبْرِ التَّصَبُّرُ».^۱ صبر در برابر حماقت‌های مردم و جهالت‌های ایشان، نمونه‌ای از تَصَبُّر به شمار می‌رود و سرمایه مسیر عبودیت الهی^۲ و البته مایه دل‌تنگی آدمی است^۳ و همین مسئله صراط و نردبان رسیدن به درجه و مصداق این آیه شریفه است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ».^۴

۴. دوری از اتهام زنی

یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های ایجاد و حفظ وحدت، تهمت نزدن به دیگر برادر و خواهر مسلمان است. تهمت به یکدیگر و گشودن کلام ناروا به دیگر افراد در قرآن کریم مورد نهی قرار گرفته است.^۵ بیشترین تأکید بر عدم اتهام‌زنی در امت اسلامی در راستای حفظ کرامت عمومی افراد در آیه ۱۲ سوره نور آمده است: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است».

این آیه اجتماع مسلمانان را جامعه‌ای دارای حسن ظن اخلاقی به یکدیگر تصور می‌کند. تفسیر نمونه به نکته‌ای خاص اشاره دارد که مؤمنان به جای اینکه به متهم حسن ظن داشته باشند، تعبیر «أَنفُسِهِمْ» را به کار می‌برد و می‌گوید به خودتان حسن ظن داشته باشید؛^۶ گویی اجتماع اسلامی ذیل هدایت قرآن، دارای ادب بالایی است که هر فردی در آن در همه شئون ارزش ذاتی دارد و اتهام به هر فردی عین اتهام به دیگر افراد است؛ زیرا کل جماعت اسلامی، یک واحد کلی است که کرامت ایشان عین یکدیگر است.^۷ بنا بر این آیه، جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به منزله نفس واحدند که اگر اتهامی به یکی از آنها متوجه شود، گویی به همه متوجه شده است و اگر عضوی را روزگار به درد آورد، قراری برای دیگر اعضا باقی نمی‌ماند و همان‌گونه که هر

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۶۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۹.

۳. سید قطب ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۵۷.

۴. رعد: ۲۲.

۵. احزاب: ۵۸؛ نور: ۱۲ و ۲۳؛ حجرات: ۱۱.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۹۷.

۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۳۴۴.

کس خود را موظف به دفاع از خویشتن در برابر اتهامات می‌داند، باید به همان اندازه از دیگر برادران و خواهران دینی خود دفاع کند.^۱

یکی از مهم‌ترین مصادیق اتهام‌زنی، دادن لقب‌های زشت و نارواست که قرآن صریحاً آن را نکوهش کرده است.^۲ بدترین نمونه آن، تکفیر و تهمت بی‌دینی و کفر است. این موضوع در میان افراد قلیلی از مسلمانان دیده شده است که مانع ارتباط مؤثر آن‌ها با یکدیگر و عامل نفوذ و رخنه طولانی مدت دشمنان در صفوف واحد ایشان شده است؛ به طوری که امروزه نیز برخی وهابیون، گروه‌های دیگر را با اتهام بی‌دینی و تکفیر از دایره مسلمانان خارج می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نگرش قرآنی به جامعه اسلامی، مملو از محبت و مودت میان مسلمانان است. این نوع نگاه بر پایه ایمان به خدای تعالی استوار است؛ یعنی هر فردی که به خدا ایمان داشته باشد، در دایره مسلمانان وارد شده است و تمامی احکام رحمت و مودت بر ایشان جاری خواهد شد. قرآن کریم به زیبایی و با عبارت «رحماء بینهم» زمینه برادری و اخوت دینی را میان همه امت اسلام پایه‌گذاری کرده است. بر همین اساس، مدارا و تحمل یکدیگر، عدم خیانت و عدم تهمت‌زنی به دیگر مسلمانان، از لوازم قرآنی وحدت مسلمانان به شمار می‌رود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۲. بروجردی، سید حسین، جامع الأحادیث الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: نشر الصحف، ۱۳۷۳ش.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۹۷.

۲. حجرات: ۱۱.

۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۶. الشاربی، سید قطب ابراهیم حسین، فی ضلال القرآن، چاپ ۱۷، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ویرایش فرهاد قربانزاده، چاپ اول، تهران: نشر اشجع، ۱۳۸۹ش.
۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، چاپ دوم، قم: دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، تهران: صدرا، [بی تا].
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از طلاب، چاپ ۳۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۱۳. المنذری، زکی‌الدین عبدالعظیم، الترغیب والترهیب، المحقق: محمد السید، القاهرة: دار الفجر للتراث، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۲۱ق.